**Hunted Vocabs**

ضد عفونی کردن،اصول بهداشتی را برای انجام عملی رعایت کردن

Sanitize

trajectory

خط سیر، مسیر، گذرگاه

drawback

اشکال، مانع، زیان

granular

دانه دانه، دارای دانه های ریز، دانه ای

downstream

پایین دست، پایین رود

Propagation

انتشار، تکثیر، ترویج

mitigation

کاهش

**Violating**

نقض کردن

misconception

تصور غلط

incur

متحمل شدن بر...،

workload

حجم کار،ظرفیت کار

prioritization

الویت بندی

cadence

آهنگ و ریتم،وزن،آهنگ،هم آهنگی

place a burden

قرار دادن بار

bottleneck

تنگنا،تنگراه،تنگه،راه خیلی باریک

compete

رقابت کردن

perspective

چشم انداز

tailored

طراحی شده، درخور

perimeter

محیط،پیرامون

attraction

جاذبه،جذب،جلب

clarify

روشن کردن، واضح کردن، توضیح دادن

stand-alone

مستقل

به خطر افتادن، سازش، مصالحه، توافق

compromise

streamline

ساده

cons

مخالفان

Pros

طرفداران

sacrifice

قربانی

Be used to

عادت کردن به

perceive

درک

راحت، مناسب

convenient

مانع

Seamless

یک پارچه، بدون درز

سوراخ کردن،حفر کردن،کاوش کردن

delve

رفت و برگشت

Roundtrip

impede